

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: داور نماینده دارالشوری ملی

قیمت اصل	۳۰۰
نظری	۳۰۰
مجلس اول	۳۰۰
مجلس دوم و سوم	۲۰۰
مجلس چهارم	۱۰۰

محل اداره: طهران خیابان لاله زار - کویچه اتحادیه

مرد آزاد

این روز نامه بدون نقاشی کتبی برای کسی ارسال نمیشود.
وجه اشتراک: ...
داخه: ...
خارجه: ...
قیمت تک شماره ۵ شاهی است

باور داشته بودیم
دوره چهارم تقنینیه فردا باخر میرسد.
مانیخواهیم به کسانی که از تمام شدن این دوره اظهار خوشوقتی میکنند جواب بگوئیم.
و کارهای بزرگی را که مجلس چهارم از پیش برده یاد آوری کنیم و بتوسیم اگر خبر از انداختن پلیس جنوب - وضع قانون وقت و استخدام مستشار های آمریکائی مجلس هیچ کار دیگری هم نکرده بود باز می بایستی - بیاس همین سه خدمت - زهوره چهارم اظهار امتنان کرد.
نه - حمایت از نخی به موقم خود اکتفا خواهد شد: وقتی که مورخین خود روح این ایام از این وقت بطرفانه در بلده مجلس چهارم مصداق میکنند و معلوم می شود با محیط حاضر دوره چهارم هر یک نبود و بلکه در حدود امکان خوب هم کار کرد.
امروز فرض ما نه تاریخ نویسی است نه حمایت - مقصود صحبت از یک قانون سه بندی بی طول و تفصیلی است که در همین اواخر بدون سر و صدا از کرسیون عدلیه مجلس گذشت برای حیوة اقتصادی ایران یکالم گذر و منزات دارد.
این قانون - که تمیم - سه ماده بیشتر نیست
در موقع تکوینش - هیچ نقای انشین و هیاهو نکرده اند - بی پایه و بنیاد - در ن کج مجلس - مثل بچه فقرا - بدون تقارنه بدنی آمده با این حال اگر بخواهند ایران صاحب ثروت بشود باید یک عالم احترامش کرد یک دنیا محترمش دانست تا وضع این سه ماده شما حق

نداشتید هیچ يك ز معاملات خود ان اطمینان کنید.
مثلا اگر کسی محتاج بوجهی بود - از شما میگرفت و خانه خودش را ظاهرآ بیع قطع و در حقیقت بیع شرط می فروخت - ابدان می توانستید بچین داشته باشید که این معامله محکم است و بول شما از میان نخواهد رفت.
نه - وقتی بسر وعده میرسیدید مدتی امروز و فردا میشد - بالاخره بدهکار مستاصلتان میکرد و صحبت تصرفه خانه از ذهن شما میرید - طرف با گدال تشدد می توانست بشما بگوید:
بسیار خوب - به عدلیه رجوع کنید.
در عدلیه چه میشد؟ هیچ - سرکار ثابت میکردند که خانه - خانه که با همینان ان پول داده اید - قبل از معامله باشا - به اندرون - اقا با اینانم والده شان منتقل شده بود.
بلی سر شما سیکلا - بیاضافه حالا اگر بدهکاران تر حرفا فکری بحالتان میکرد و چیز سیه میداد ان در کجایات بود و زرگی.
البته با يك همچو تزیینی معامله کردن روز بروز مشکل تر می شد - انکه وجهی داشت بز حمت فرض می داد - انکه فرض میخواست ناچار بود بشرایط سختی کن بدهد.
بلاوه در مملکتی که معاملات این اندازه خطر ناک باشد فکر پسرانند ز کردن هیچ وقت قوت نخواهد گرفت.
مردمی که هر روز می بینند طلب این وان سوخت میشود - ملک و مال فلان رفیق و فلان آشنا را باسم اینکه مستحق للمیراثت بردند و نوعی خور کردند - بچه دماغ و گداز در لبه خیال - صرفه جویی بیفندند - اندوخته هم بزنند ملک بخردند و معامله کنندم خلاصه عدم اطمینان به معاملات یکی از بزرگترین مصیبت های مملکت ما بود.

با قانون جدید این مصیبت رفع میشود.
بد نیست عن قانون را هم به بیست و قانون موقت راجع باشا غایبی که مال غیر را تقابل میدهند و بنا بر یک میکنند و مجزات آنها - ماده اول - اگر کسی اقرار نمود و یا محقق شد که مال شخصی قانونی را به نحوی از انحاء عینا و یا منفعا نقل بنبر نموده و تصرف او داده است نوقبت و حیس خواهد شد تا آنکه عین و یا عارض مال و هم چنین خسارات وارده بز مالک و مشتری را رد نماید.
ماده دوم - اگر کسی اقرار نمود و یا محقق شد که مال قانونی را با علم به مصدق المظن بودن و یا بصوری از انحاء ملک نکرده و تصرف عین در آن آورده است نوقبت و حیس خواهد شد عین مال یا عوض آنرا با خسارات وارده بز مالک رد نماید.
ماده سوم - در مورد جو ماده فوق مزور جزا ناکه نوقبت و به مجازاتی که کمتر از یک سال حبس و یا کمتر از هفتاد روز بازمانده محکوم خواهد شد.
حالا باید در اجرای این سه ماده جدیت کرد و از مجاری نوزاد در معاملات خلاص شد.
(داور)

نظری
به اقتصاد
ایران از نقطه نظر فایدهات به دو قسم فلاحه و تجارت تقسیم میشود ولی در حقیقت فایدهات مهم مملکت با تقریباً منحصراً به همان محصولات فلاحی است زیرا نظر بانک هنوز در مملکت با استخراج معادن بقتل نبامده - کار خانه نداریم مصنوعات مهم تجاری در این مملکت یافت نمیشود بنا بر این مآذنی هم که از این راه عاید ما میشود وقتیکه فایدهات فلاحی بتعمیم چندان مهم و قابل ملاحظه خواهد بود.
بعد حال بطوریکه کفایت صادرات ایران منحصر بهمان دو طریق مذکور است لذا ما هم آنها را بدون وقت گرفته و دیلا شروع به تشریح عوامل انحطاط هر یک از آنها نموده و خواهیم دید که چگونه عمالی از برای آنها همان وسایل نقصان فایدهات مملکتی است:
۱- فلاح - اگر در طرز فلاح و زراعت این مملکت دست دقت بکنند خواهد دید که با دوره خاقان منور

هیچ قانونی نکرده اگر در سایر امور و ترتیب ادارات و حتی وضع زندگانی اشخاص نیز - و او بعنوان تقلید و ظاهر سازی و بر مابقی هم بوده باشد - مجتنب نمیشدانی داده شده ولی متأسفانه باید اقرار کرد که این قسمت از این نعمت هم محروم مانده است تمام وسایل متعلقه زراعتی همانهایی هستند که در صد سال پیش معمول بوده و ر کم یازید شده است و این وضعی هم که ما پیش گرفته و داریم جلو میرویم شاید صد سال دیگر هم همین ترتیب باقی بماند ولی باید دانست تا زمانیکه این اساس پوسیده و کهنه هم نخورده، تا وقتیکه مینای فلاحت ما بر روی مجربیات عالی گذاشته نشده ابدان نباید منتظر نتیجه و نرفی محسوسی در این قسمت از فایدهات بوده باشیم.
فرضاً ممالک دو مملکت فرانسه و انگلیس را اقتباس کرده با هم مقایسه می کنیم.
فرضاً یک مملکت فلاحی است خاک آن مملکت مملکت فلاحی است جز است - کوه و دشت و آب و هوا و غیره در هر دو مملکت فلاحی طبیعت به زمینهای حاصلخیزی است - محصولات مختلفی آن همان قوای فلاحی است که تبدیل به محصولات تجاری میگردد.
ولی انگلیس سیکلی طبیعت مقابل فرانسه است - اگر گفته جنرا نباید طبیعتی آن جا را تحت نظر بگیریم بلکه قطعاتی در بعضی بهیچوجه نخواهد دید - سطح مملکت مزبور را خصوصاً در قسمت شمالی و غربی رفته کرده های متعدد معدنی پوشانده است در این مملکت تقریباً همه قسم معدن وجود دارد به همین واسطه انگلستان مجبور است بجهت اشباع خاک کیمی مملکت خود حتی نیم برنج را نیز از ممالک مجاور واژه بکند و همین مسئله روسیه را محتاج البه دوات انگلیس قرار داده و اگر بخاطر داشته باشیم اول دولتی که با روشبه جدید در صد افتتاح روابط تجاری بر آمد انگلیس بود.
ولی در قسمت جنوب شرقی جزیره بریطانی یک قطعه کوچک زراعتی بقدر خمس تمام اراضی انگلیس وجود دارد. پر واضح است محصولاتیکه از این قسمت بدست می آید کفایت معاش اهالی انگلیس را نخواهد داد ولی از آنجائی که بیشتر به ترتیب علمی اداره می شود اگر نتایج حاصله را به مملکت فرانسه بتعمیم فوق اعاده مهم خواهد بود.
بازی کفایت را زمانی که متلی سایر ملل اساس فلاحت ما هم بر روی ترتیبات جدید مستقر نشود نباید امید هیچ

نتیجه استخراج اراض - صورت استخراج آتانی که تا ظهر روز قبلی قرائت شده بموجب راپورت حوضه های انتخابات از قرار است که ذیلا بنظر قارئین محترم مبرسانه
۱- مؤمن الملك ۷۷۹۹
۲- سلیمان مبرزا ۵۳۲۱
۳- مشیر الدوله ۷۷۹۹
۴- متوفی المملک ۸۸۸۰
۵- شیخ علی مدرس ۳۳۱۳
۶- نقی زاده ۳۳۷۱
۷- صدق السلطنه ۲۵۱۱
۸- آقا سعید حسن مدرس ۲۲۴۴
۹- آشتیانی ۲۳۳۱
۱۰- خرقانی ۳۳۱۷
۱۱- علایی ۳۳۰۲
۱۲- سید ضیاء الدین ۳۳۸۵
۱۳- نصرت الدوله ۲۲۲۲
۱۴- قوام السلطنه ۳۳۱۳
۱۵- بیگلربیگی ۳۳۳۳
۱۶- کاشانی ۳۳۳۳
۱۷- ذکاء المملک ۳۳۳۳
۱۸- حاجی عباسی آقا ۳۳۳۳
۱۹- طایفانی ۳۳۳۳
۲۰- میرزا رضا خان باغی ۳۳۳۳
۲۱- سید رضا میرزا باغی ۳۳۳۳
۲۲- شیخ امیر تقی خرقانی ۳۳۳۳
۲۳- آقا علی قیصر آقامیرزا ۳۳۳۳
۲۴- سیلوانی ۳۳۳۳
۲۵- آقاموسی بیگلربیگی ۳۳۳۳
۲۶- حقوق الفاضله ۳۳۳۳
۲۷- اسلامی ۳۳۳۳
۲۸- مصمم السلطنه ۳۳۳۳
۲۹- امین الدوله ۳۳۳۳
۳۰- نایب ۳۳۳۳
۳۱- امیر اعظم ۳۳۳۳
۳۲- نصیر الدوله ۳۳۳۳
۳۳- ۳۳۳۳
۳۴- ۳۳۳۳
۳۵- ۳۳۳۳
۳۶- ۳۳۳۳
۳۷- ۳۳۳۳
۳۸- ۳۳۳۳
۳۹- ۳۳۳۳
۴۰- ۳۳۳۳
۴۱- ۳۳۳۳
۴۲- ۳۳۳۳
۴۳- ۳۳۳۳
۴۴- ۳۳۳۳
۴۵- ۳۳۳۳
۴۶- ۳۳۳۳
۴۷- ۳۳۳۳
۴۸- ۳۳۳۳
۴۹- ۳۳۳۳
۵۰- ۳۳۳۳
۵۱- ۳۳۳۳
۵۲- ۳۳۳۳
۵۳- ۳۳۳۳
۵۴- ۳۳۳۳
۵۵- ۳۳۳۳
۵۶- ۳۳۳۳
۵۷- ۳۳۳۳
۵۸- ۳۳۳۳
۵۹- ۳۳۳۳
۶۰- ۳۳۳۳
۶۱- ۳۳۳۳
۶۲- ۳۳۳۳
۶۳- ۳۳۳۳
۶۴- ۳۳۳۳
۶۵- ۳۳۳۳
۶۶- ۳۳۳۳
۶۷- ۳۳۳۳
۶۸- ۳۳۳۳
۶۹- ۳۳۳۳
۷۰- ۳۳۳۳
۷۱- ۳۳۳۳
۷۲- ۳۳۳۳
۷۳- ۳۳۳۳
۷۴- ۳۳۳۳
۷۵- ۳۳۳۳
۷۶- ۳۳۳۳
۷۷- ۳۳۳۳
۷۸- ۳۳۳۳
۷۹- ۳۳۳۳
۸۰- ۳۳۳۳
۸۱- ۳۳۳۳
۸۲- ۳۳۳۳
۸۳- ۳۳۳۳
۸۴- ۳۳۳۳
۸۵- ۳۳۳۳
۸۶- ۳۳۳۳
۸۷- ۳۳۳۳
۸۸- ۳۳۳۳
۸۹- ۳۳۳۳
۹۰- ۳۳۳۳

آراء قرائت شده تا یوم قبل
۲۷۷۳ و روزه از قرائت شرح ذیلا است
سکجه ۲۵۰۲ بازار ۳۳۳۰
جامعیدان ۱۹۹۹ شمیرانات ۱۱۷۱
عودلاجان ۲۰۰۷ کن ۸۸۱
دوکت ۲۲۷۵ (سپاه)

قسم نتیجه را داشته باشیم برای اجرای همین نظریه چندی پیش در طهران مدرسه باسم فلاحت تشکیل شد - اعلان کرده اند داو طلب خواستند - از این طرف از آن طرف بالاخره قریب به سیصد نفر شاگرد جمع شد - مقلدین که جهته ترتیب آن ها انچه شده بود اشخاصی عالم بودند اکثرشان مدارس فلاحتی اروپا را دیده بودند - می شد از آن ها ترتیب یک عده شاگردی که بعد از اتمام دوره مدرسه بشود از آن ها استفاده های قابلی کرد متوقع بود - اگر چه قابلیت مرئی در ترتیب شاگرد شرط کلی است ولی مقصبات محیط ترتیب را هم نباید از نظر دور داشت.

امتن را وقتی پاریس آمدیم شنبه
 کمان میگردیم این همان غیبی صدیق است
 که در روزنامه (لومائنه) پاریس برسد
 تجاوزات اجانب مقالات متعدده مینوشت
 اگر او است که نریفتن را در این جا
 از ایرانهها و فرانسوی ها شنیده ام
 عزیزم که تو بخوبی حس کرده ای
 که راه نجات ایران منحصر است به اصلاح
 اقتصادی و بیست تعلیمات عمومی و چند
 با محظوظ می شویم که در هر شماره
 مقالاتی راجع به این دووقت در روزنامه
 تو هست
 مزیت دیگر که جرییده نو
 بسر سایر پاریس را در قیمت
 عقاید دیگران است البته
 این قیمت محتاج به کار زیاد است
 باید یک کتاب را از نشر تا آخر
 خواند تا یک با دو صفحه آن
 برای ترجمه و درج مطلوب باشد می
 بینیم که فقط معایب هموطنان را در
 این عقاید دیگران ذکر می کنی
 دلیل این چیست ؟

هر پاریس چندان زیاد ثبت قبل از
 جنگ تقریباً دوپست سبصد فقر در فرانسه
 مشغول تحصیل بودند اما امروز پیش از
 سی جهل فقر نیستند ولی در آلمان
 از قراری که ع ۰۰۰ هفته گذشته به
 من نوشته بود که عدد محصلین ایرانی
 روز بروز در زیاد است ایندواز این
 هائی که حالا برای تحصیل می آیند
 ناسی به رفقای سابق خود نکینند و
 عرض این که همه به فلسفه و حقوق و
 امثال آن به پردازند قدری در فیکشن
 زندگی مادی باشند یک عده مهندس
 شوند یک عده قلمی باآموزند یک
 عده صنعتگر شوند که ایران در موقع
 مراجعت بتواند از وجود آنها استفاده
 کند
 امیدوارم من بعد ماهی یک مرصه
 مفصل برای تو بفرستم از اوضاع این
 جا آقدر که برای هموطنان ما مفید باشد
 برای تو بنام ...
 ب . پ .

و دهاقین در حدود شمال بلغاری بوقوع
 پیوسته است
 صوفیه
 تجربیده (تایفس) خبر میدهد
 که (زانگ) رئیس دولت حالیه به
 لیدرهای حزب بزرگ (بوزووا) اظهار
 داشته است که کابینه فعلی موافق است
 و دولت قطعی بقاصله دو ماه تشکیل خواهد
 شد و لیدر ها قول داده اند که بمجماعه
 با دولت جدید مساعدت نمایند
 ب . پ .

مصادر امور ترك اظهار داشته اند
 که امتیاز مذکور در اول شیک منسی
 شده است ولی حاضر شده اند که امتیاز
 جدیدی در بنادر سامسون و طربوزان
 بدهند و ضمناً اظهار داشته اند که
 بیشتر مابند امتیاز مذکور بامریکائی ها
 داده شود
 نمایندگان انگلیس و فرانسه مقیم
 آنقره باین عقیده هستند که مصادر
 امور ترك مخصوصاً مذاکرات راهبرده
 نوری می افکنند تا موفق به تحصیل
 امتیاز معاهده صلح گردند
 (ز)

هواک آلمان بتواند سر و زوئی نیول
 خود بدهد
 (ر)
 پادشاه بلژیک از مبهو تونس
 نقاضای تشکیل کابینه جدید را نموده
 است و مشار الیه قبولی خود را موکول
 به مذاکره با رفقای خود و حل قضیه
 او نموده است (کنت)
 (ر)
 اسلامبول به یک کشتی دستگیر
 انگلیسی در بحر مره موافق به ضبط
 یک کشتی نقلیه ترك که از طراس
 حرکت کرده و دادای آتوب بود شده
 است
 این تصرف معلوم نمی دارد که
 تدارکات نظامی ترك در طراس عقیق مانده
 است
 (ز)

اخبار خارجه

کنفرانس لوزان
 آژانس (هاوا) اشعار می دارد
 که آخرین جلسه کنفرانس لوزان در
 هفته آینه شروع خواهد شد
 و تصور میبرد که تعلیمات لازم از
 آنقره بصفت پائین ارسال گردیده است
 (ب . پ)
 بلغارستان
 از (بلگراد) اعلام می دارند که
 مسو (الکاتروف) رئیس (بوسا
 ناچماهای) مقدونیه در نهضت انقلابی اخیر
 اقدام مهمی بعمل آورده است
 مطبوعات (ضرب اظهارات می دارند
 از این که پرستور (مالوف) یکی از
 رؤسای (کماناچماها) که همیشه
 بخاک صربستان تجاوز می کرد توسط
 دولت جدید بسمت مدیریت اداره سیاسی
 امور خارجه انتخاب شده است
 اطلاعات اخیر تصور می رود جز
 (استامبولکی) یک کاردی در حدود
 (پلونا) مشغول تشکیل دادن میباشد
 یک تصادم خونینی فيما بین سربازان

کتابها
 شمال شرقی کوهنا چندین خوران آتش
 فیانی با احتراقهای عظیم بوقوع پیوسته
 جویهای سبیر چندین هزاره
 و جنگل کاج و همچنین اینتیک راه آهن
 را در کاستیک لپون [منهدم و خراب
 کرده است
 ناحیه لیکوا اوزا] در مضاطره
 جریان سبیر بمرسبند مترواقع میباشد
 (ز)
 اسلامبول که نمایندگان اشترک
 (آرماتریک ویکروز) که از آنقره
 مراجعت نموده اند باین اظهار میدارند که
 توانسته اند موافق شوند امتیازی که
 در ۱۹۱۳ برای ساختن جبه خانه و
 کارخانه کشتی سازی عثمانی در قورن لاهب
 داده شده بود برسمت شناخته شود

موقع خسته کردن دارد تمام می شود
 استاد محمد رضای سامانی صاحب تصدیق از وزارت معارف برای
 خسته کردن حاضر است
 آدرس - جنب شفق سرح - چهار راه لاله زار
 نمره اعلان ۷۸
 طهران
 خرید
 فروش

بورس
 لندن ۱۷۵-۷۴
 نیویورک ۱۰۵۵-۱۶
 آلمان ۲۰-۸۵
 بلژیک ۲۰-۸۵
 سوئیس ۲۵-۲۸
 ایتالی ۳۳-
 اسپانی ۵۰-۲۸
 بورس
 طهران
 خرید
 فروش

مطبوعه بوسفور شنبه (۲)

ایشان را بلند نموده پلوس آنکه جوانی به هلمس
 بدهد راه خود را پیش گرفتند
 پس هلمس گفت : - آه ! خیلی گدل
 بودم . . . بدقت . . . نمداعصابی بود ولی بکمرلیه
 بر گشت دید و بلند کنار دیوار افتاده است
 جلو رفته گفت : - چه شد رفیق ؟ چرا آنقدر
 دنگ پریده است
 ویلسن بیچاره بازویش را نشان داد که بی
 حس آویزان بود و زیر لب گفت : -
 نمی دانم چیه شده ؟ آنقدر هست که خیلی
 دردم آمده است
 در شلوك هلمس مضطرب شده دست به بازوی
 رفیق خود برد آهسته دست زده ندرجه درد آن
 را حس پندارید ویلسن فریادی کشیده بی هوش
 شد هلمس او را به او اجازه ای که از یک بود پرده
 لا کمالا به بنه چطور شده شا کرد دواخانه و هلمس
 باهم کمک کرده دست ویلسن را دیده که شکسته
 است پس بفوریت درشکه ای را صدا زده ویلسن را

در درشکه گذاشته به مرضی حاضر پیش جراح
 برد
 وقتی که هلمس ویلسن را در درشکه گذاشت بیچاره
 ویلسن شروع به قاله و کریه کرد
 هلمس که بازوی شکسته او را گرفته بود
 شروع به نلنت دادنش کرده می گفت :
 و اهمیتی ندارد یک کمی صبر کن بعد از سه
 هفته بگلی خوب خواهد شد . . . مبهمی . . . من
 تلافی تو را در خواهم آورد . . . این هم کار
 اوست من قدم بپخورم که کار کار اوست
 هلمس درین ضمن بکمرلیه دست ویلسن را اول
 کرد بقمی که بیچاره ویلسن از درد نکانی خورده
 دوباره از هوس رفت ولی هلمس با انگشت به پیشانی
 خود گفت :
 ویلسن من یک فیکری کرده ام . . . بعد
 کلمات مقطوع ذلرا آهسته زیر لب گفت : -
 خوب این دیگر کار اشراق نیست . . . حالا
 دیگر خوب واضح میشود . . . من میدانم
 پستی فیکر کرده . . . آه ویلسن عزیز خاطریت

جمع باشد که من انتقام تو را می کشم
 ویلسن را دراز نه دراز در نوبی درشکه خوابانیده
 و خودش جمت پائین رفت قدر کوچی خانه نمره
 ۲۵ دید قدر بالا و در سمت راست آن در روی یکی
 از سنگ ها عیارت ذبل را نوشته اند دستاثر
 معمار ۱۸۷۵
 در خانه نمره ۳۳ هم همین عیارت را مشاهده
 کرد
 تا رسید به خیابان هانری مارتن در آن جا
 دید درشکه ای در حرکت است درشکه را صدا زده
 گفت : - درشکه چی میروی تا خانه نمره ۱۳۴
 و شلاق کنی هم میروی
 هلمس بقدری خود را مستعجل نشان داد که
 همین طور است نوبی درشکه افتاده و پشت سر هم
 بدرشکه چی می گفت تند تند از نا رسید و بدر
 روی یکی از سنگهای در عیارت فوق حک شده است :
 دستاثر معمار ۱۸۷۵
 در خانه های مجاور هم همین طور دستاثر معمار ۱۸۷۵
 بواسطه تاثیر کشف بزرگی که ویلسن کرده

بود از خوشحالی و شفت زیاد طاقت نیاورده در
 گوشه درشکه افتاد . . . بلی بخود می گفت یک
 روشنائی بالاخره در میان این همه لبر کتی های
 حوادث پیدا نموده پس از درشکه پیاده شد پس کن
 تلفونی که نزدیک بود در رفته با تلفون عیارت کوزن
 را گرفته خود کنتس جواب داد :
 هلمس کار ها چطور شده است
 هلمس گفت : - خیلی خوب . . . اما خواهش
 میکنم بفرماید یک گلمه بیشتر عرض ندارم
 کنتس با لحن گفت : - بگو بید من گوش
 می کنم
 هلمس : - عیارت کوزن چه وقت بنا
 شده ؟
 کنتس با تلفون : - عیارت ما سی سال پیش
 بواسطه حریق سوخته و بعد دوباره ساخته شده
 هلمس : - بده کی آنرا بنا کرده ؟
 کنتس با تلفون گفت : - یک کتیپه ای
 در دلای آن است . لوین دستاثر معمار ۱۸۷۷
 بقیه دارد